



نقش شرق در عصر روشنگری/ تبعات منفی روشنگری و عقل‌گرایی مبتنی بر آن

فیلسوفان و اندیشمندان بین‌المللی در گفتگو با خبرگزاری مهر به نقش شرق در روشنگری اشاره کردند و عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی را محورهای اصلی روشنگری دانسته‌اند.

فیلسوفان و اندیشمندان بین‌المللی در گفتگو با خبرگزاری مهر به نقش شرق در روشنگری اشاره کردند و عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی را محورهای اصلی روشنگری دانسته‌اند.

جامسکی: همه در روشنگری نقش داشته‌اند/ غرب مروج آدمکشی است و نه روشنگری

به گزارش خبرنگار مهر، عصر روشنگری یا عصر خرد که نمود آنرا در قرون 17 و 18 و 19 میلادی در غرب شاهد هستیم واکنش فرهنگ غربی به قرون وسطی تلقی می‌شود. از اینرو برخی معتقد هستند جنبش روشنگری جنبشی سکولار است.

برخی متفکران چون هابرماس اعتقاد دارند که همه در روشنگری سهم داشته‌اند. بر این اساس این پرسش مطرح است که فرهنگهای غیر غربی و البته شاید نه همه آنها در آماده‌سازی بسترهای فکری چنین جنبشی چه نقشی داشته‌اند.

پروفسور نوام چامسکی زبانشناس معاصر و استاد بازنشسته دانشگاه ام.آی.تی آمریکا در خصوص این موضوع که آیا می‌توان برای فرهنگهای غیر غربی در روشنگری قرن 17 نقشی قائل شد؛ مطابق آنچه هابرماس می‌گوید که همه در روشنگری نقش داشته‌اند به خبرنگار مهر گفت: بله مطمئن باشید که همه در روشنگری نقش داشته‌اند.

وی در ادامه افزود: من مایل نیستم به نقل قول هابرماس اشاره کنم و با توجه به نقل او بگویم که همه در روشنگری نقش داشته‌اند. خوب بود در کنار این پرسش به نقش غرب در آدمکشی در سطح جهانی هم اشاره می‌کردید و از من در این مورد نیز پرسش می‌کردید!

استاد دانشگاه M.I.T می‌گوید: غرب برنامه‌ها و طرحهای آدمکشی در سطح جهانی را دنبال کرده و می‌کند و مردم بی‌گناهی در نتیجه این سیاستها و برنامه‌ها کشته و قربانی می‌شوند.

چامسکی در ادامه افزود: این تنها کار غرب نیست. غرب به کشورهای دیگر حمله می‌کند و مردم آن سرزمینها را به خاک و خون می‌کشد. غرب تنها بر اساس میل و خواست خود این کار را می‌کند.

این نظریه پرداز آمریکایی در پایان یادآور شد: باز هم این تنها اقدام و کار غرب نیست. غرب علاوه بر این به گونه‌ای ظالمانه و غیرقانونی سرزمینهای دیگر را غصب و اشغال می‌کند. این کار نیز بنا بر خواست و میل آنها انجام می‌شود.

گلسپی: عقلانیت مدرن برای همه فرهنگها جذاب نبود/ ادعای هابرماس درست نیست

پروفسور مایکل آلن گلسپی استاد فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه دوک آمریکا نیز تصریح کرد: در برخی موارد موضوعی که هابرماس مطرح می کند درست و صحیح است. همه مردم با یکدیگر دیالوگ و گفتگو داشتند و از رهگذر این گفتگو می توان گفت که جهان به سمت عقلانیت حرکت کرد.

گلسپی تأکید کرد: از سوی دیگر می توان گفت آنچه هابرماس می گوید درست و صحیح نیست. از این جهت که همه جوامع و فرهنگها نخواستند به سخن و حرف مدرنیته گوش فرا دهند.

مؤلف "نیهلسم بعد از نیچه" تصریح کرد: بحث من ارزشگذاری نیست بلکه از این جهت است که مدرنیته و سخن آن برای همه جهانیان جذاب نبوده است.

وی در ادامه یادآور شد: روش و استدلال مدرنیته برای همه فرهنگها جذاب و جالب توجه نبوده است. استدلال و خردورزی که کانون و محور مدرنیته و علم مدرن به شمار می رود برای همه جالب نبود.

مؤلف "بنیان تاریخ" تأکید کرد: برخی تنها عقلانیت و استدلال ورزی را کافی ندانستند و در حقیقت آنرا رد کردند. ادعاهای دیگری نیز در مقابل حقانیت عقلانیت مطرح شد. برخی بر اعتقاد و ایمان نیز تأکید کردند و برخی آنرا در مقابل عقلانیت طرح کردند و از آن دفاع کردند.

استاد علوم سیاسی و فلسفه دانشگاه دوک آمریکا در پایان یادآور شد: به هر حال برخی انحصار عقلانیت و استدلال ورزی را رد کرده و ادعاهای دیگری نیز طرح کردند.

دال مایر: همه جوامع در روشنگری سهم داشته اند/ پیام اصلی روشنگری

پروفسور فرد دال مایر استاد فلسفه دانشگاه نتردام آمریکا و فیلسوف سیاسی معاصر در این خصوص یادآور شد: روشنگری پدیده ای تماماً و صرفاً غربی نیست.

وی افزود: این پدیده مشارکت همه افراد انسانی را در خود داشت. بر این اساس هابرماس درست می گوید که همه در روشنگری مشارکت داشته اند.

دال مایر در ادامه یادآور شد: یکی از تعاریف کامل در خصوص روشنگری توسط کانت بیان شده است. کانت معتقد بود که روشنگری به معنای بیداری انسان از خودفریبی و نابالغی است.

مؤلف "هگل: مدرنیته و سیاست" در ادامه تأکید کرد: این جنبش به معنای بیداری مردم از سلطه کلیسا و سلطه سیاسی آن بود که با تفسیری خاص از مسیحیت دوران سیاهی را به وجود آورده بود و مردم را سرکوب کرده بود.

وی تأکید کرد: این جنبش تمایل و اراده مردم به این بود که باید نسبت به زندگی خود احساس مسئولیت داشته باشند.

مؤلف "شهر و عمل: کاربردهای آن در نظریه سیاسی معاصر" تأکید کرد: در واقع روشنگری پدیده بسیار مهمی برای مردم همه فرهنگها و کشورهاست. البته ممکن است جزئیات این فرایند و اینکه چگونه یک فرهنگی این فرایند را طی کرده و می‌کند متفاوت باشد.

دال مایر در پایان تصریح کرد: در برخی فرهنگها روشنگری به معنای "گریز و رهایی" از اسارت و بندگی تعریف و تعبیر شده است. در این فرهنگها روشنگری به مثابه غلبه و سیطره بر "جهل" نگریسته شده است.

کرامر: تجدد پدیده‌ای صرفاً غربی نیست/ تجدد محصول تلاش بشر در طول تاریخ است

پروفسور متیو کرامر استاد فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق دانشگاه کمبریج و مدیر برنامه فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق در این دانشگاه در این زمینه تأکید کرد: روشنگری به معنای رهایی از خرافات و اوهام بود.

وی در ادامه افزود: بخشی از فرایند روشنگری در حوزه علوم طبیعی اتفاق افتاد. بر این اساس روش و متد تجربی و رهایی از نظریه پردازی دگماتیک مورد توجه قرار گرفت و به آن اصالت داده شد.

مؤلف "محل تلاقی اخلاق و حقوق" یادآور شد: در واقع این مرحله به سبب رویارویی دین مسیحیت به علم بود. در خصوص ادعای هابرماس باید توجه داشت که هر فردی تا اندازه و میزانی در روشنگری نقش داشته است.

این فیلسوف معاصر یادآور شد: بسیاری از تکنولوژی‌هایی که امروزه در جهان شاهد آن هستیم از رهگذر تلاش بشر در طول سالیان گذشته به دست آمده است و نتیجه و محصول تلاش‌هایی است که در طول تاریخ توسط بشر انجام شده است.

وی تصریح کرد: در واقع این تلاش‌ها نهایتاً به اختراع چیزی منجر شده است. از نتایج این تکنولوژی هم مردم در فرهنگهای مختلف بهره می‌برند. برای نمونه مردم فقیرترین کشورهای آفریقایی دارای تلفن همراه هستند.

استاد دانشگاه کمبریج تأکید کرد: اگر روشنگری را صرفاً به معنای پذیرش متد و روش علمی بدانیم در این صورت بسیاری از مردم در آن سهمی نداشته‌اند. یعنی این موضوع که با ابزار علم و با دانش علمی با جهان طبیعی مواجه شوید امری است که همه در ایجاد این تفکر نقش نداشته‌اند. علاوه بر آن روش و متد علمی مورد قبول همگان نیز نیست.

مؤلف "نظریه حقوق، نظریه سیاسی و شالوده شکنی" در پایان تأکید کرد: برای نمونه در مورد پیدایش جهان و دیدگاههای علمی برخی

در آمریکا و جهان اسلام با آن دیدگاهها مخالف هستند. در واقع نظریه تکاملی از نظر این افراد مردود است. می دانیم این نظریه مبتنی بر روش و متد علمی است.

تکیم: اسلام با مشی سکولار بیگانه است/ سنتهای کهنه و اوهام در اسلام جایی ندارند

پروفسور "لیاقت تکیم" استاد اسلام‌شناسی دانشگاههای دنور آمریکا و مک مستر کانادا در خصوص این موضوع که آیا می توان برای فرهنگهای غیر غربی در روشنگری قرن 17 نقشی قائل شد؛ مطابق آنچه هابرماس می‌گوید که همه در روشنگری نقش داشته‌اند به خبرنگار مهر گفت: بله همه ما در روشنگری نقش داشته‌ایم.

وی در ادامه تصریح کرد: باید توجه داشت که روشنگری بر عقل و خرد و استدلال تأکید و توجه دارد و این چیزی است که اسلام قرن‌ها پیش آنرا مورد تشویق و تقویت قرار داده است.

مؤلف "شیعیان در آمریکا" در ادامه تأکید کرد: آنچه اسلام با آن بیگانه است سکولاریزاسیون است. ماهیت اسلام با سکولاریزاسیون بیگانه و غریب است.

این اسلام شناس معاصر در ادامه یادآور شد: همه کشورهای اسلامی و همه مسلمانان سهمی در روشنگری داشته‌اند. امروز همه در دهکده جهانی زندگی می‌کنند و هر آنچه در غرب اتفاق بیفتد بر شرق تأثیر می‌گذارد و برعکس.

وی افزود: روشنگری همچنین به معنای رهانیدن و خلاص کردن خود از اوهام و سنتهای کهنه است که نه با عقل و خرد و نه با اسلام در هماهنگی نیست.

مؤلف "پرسشهایی از فقه" در پایان تصریح کرد: به عبارت دیگر ذات اسلام و جوهر اسلام به گونه‌ای است که خرافات و موهومات و سنتهای کهنه و مهجور با آن هماهنگ نیست.

کراکت: هویت و تاریخ ایران و جهان اسلام در فیلمهای غربی سیاه‌نمایی می‌شود

کلایتون کراکت استاد مطالعات دینی دانشگاه آرکانزاس مرکزی آمریکا در خصوص به مهر گفت: شرق و غرب در تجدد و روشنگری نقش داشته‌اند.

وی تصریح کرد: آنچه معمولاً از آن به عنوان روشنگری یاد می‌شود فرایندی است که به ابتدای دوره مدرن در اروپا نظر دارد. این فرایند بر مردم کشورهای دیگر نیز به نوعی تأثیرگذار بود و سایر فرهنگها از آن تأثیر گرفتند.

مؤلف "الهیات سیاسی رادیکال: دین و سیاست بعد از لیبرالیسم" تأکید کرد: البته باید توجه داشت که این فرایند با فرایندهایی چون استعمار، صنعتی شدن، بردگی، دین و تکنولوژی پیوند خورد.

استاد مطالعات دینی دانشگاه آرکانزاس مرکزی افزود: در آنچه که ماکس هورکهایمر و تئودور آدورنو تحت عنوان "دیالکتیک روشنگری" نامیدند، بخشی تیره وجود دارد.

وی تصریح کرد: به روشهای بسیار، جهان اسلام خیزش قدرت دفاعی اروپا را تجربه کرد. در واقع به نوعی جنگهای صلیبی دنبال شد.

کراکت تأکید کرد: بر این اساس همه از آثار و نتایج روشنگری متأثر شدند. دلیل این موضوع این است که سرمایه‌داری توسعه یافت و امروزه از آن با عنوان "سرمایه‌داری جهانی" یاد می‌شود. باید توجه داشت که سرمایه‌داری جهانی امری مسأله‌دار است و چالشهای زیادی را متوجه کشورهای گوناگون کرده است.

استاد مطالعات دینی دانشگاه آرکانزاس مرکزی افزود: ژاک دریدا از تعبیر "روشنگری نو" نام می‌برد؛ یعنی روشنگری درباره روشنگری قدیم. همه این کنایه‌ها و استعاره‌ها درباره روشنگری و بیداری مرتبط با فرایندهای معنوی آگاهی قرار دارد.

وی در ادامه تصریح کرد: باید غرب در خصوص جهان اسلام و کشور ایران روشنگری صادقانه انجام دهد. بر اساس آنچه مشاهده می‌شود و بر اساس فیلمهایی که ساخته می‌شود تصویری سیاه از ایران و جهان اسلام در رسانه‌های غربی مطرح می‌شود. باید جهان اسلام و ایران آنچنان که هست به همه معرفی شود و نه به صورت سیاه نمایی شده.

این استاد مطالعات دینی دانشگاه آرکانزاس مرکزی آمریکا در پایان تأکید کرد: سیاه‌نمایی و فیلمهای سیاهی که از ایران و تاریخ گذشته این کشور در غرب نمایش داده می‌شود دارای تبعات خطرناکی است.

آلن وود: محمد(ص) به برابری انسانها تأکید ویژه داشت/ غرب بداند همه کرامت دارند

پروفسور آلن وود عضو آکادمی هنر و علوم آمریکا و استاد فلسفه دانشگاه استنفورد در خصوص این موضوع که آیا می‌توان برای فرهنگهای غیر غربی در روشنگری قرن 17 نقشی قائل شد؛ مطابق آنچه هابرماس می‌گوید که همه در روشنگری نقش داشته‌اند به خبرنگار مهر گفت: اصول روشنگری توسط کانت به بهترین شکل ممکن تعریف شده است.

وی در ادامه افزود: این اصول عبارتند از: برای خودت فکر کن، از نقطه نظر فرد دیگر فکر کن، و منسجم و به دور از تناقض فکر کن. بر این اساس مشاهده می‌شود که روشنگری و تفکر روشنگری به برابری جایگاه هر فرد اشعار می‌دارد.

مؤلف "اندیشه اخلاقی هگل" تأکید کرد: حضرت محمد(ص) به برابری انسانها تأکید ویژه داشت. در واقع در دین اسلام و خود پیامبر این دین بر جایگاه برابر انسانها تأکید ویژه داشته است.

وی تصریح کرد: پیامبر اسلام معتقد بود که هر دینی باید دین و راه خود را داشته باشد. به اعتقاد محمد(ص) علاوه بر این باید هر دین مورد احترام قرار گیرد و نه تنها باید در مقابل آن بردباری داشت، بلکه باید مورد احترام پیروان سایر ادیان نیز قرار گیرد.

مؤلف "الهیات عقلانی کانت" در ادامه یادآور شد: ولی متأسفانه برخی پیروان ادیان ابراهیمی آن اصولی که توسط پیامبران آن ادیان مورد توجه بوده را مورد بی توجهی قرار دادند و از آنها غفلت ورزیده‌اند.

وود بر آن است که اصول مبنی بر برابری جایگاه انسانها که در روشنگری مطرح شده در اصول ادیان ابراهیمی مورد توجه پیامبران آنها بوده است.

استاد فلسفه در دانشگاه استنفورد افزود: نگاه دگم و سلسله مراتبی به فرهنگهای دیگر باعث تباهی انسانها شده است. دیدگاه و نظام فکری مبتنی بر نابرابری و سلسله مراتبی به هیچ عنوان درست نیست.

این کانت شناس برجسته معاصر در ادامه افزود: مردم در غرب در ابتدا باید بیاموزند که مردم همه فرهنگها دارای کرامت انسانی هستند. هیچ انسانی برده انسانهای دیگر نیست و این پیام ادیان الهی و برخی فیلسوفان است.

عضو آکادمی هنر و علوم آمریکا در پایان گفت: ادیانی چون اسلام در خصوص چیزهایی که درست و صحیح است روشنگری کرده‌اند. همه مردم اعم از شرق و غرب باید سنتهایی را که مردود و ناپسند است را کنار بگذارند و در درون سنت خود دست به روشنگری بزنند.

دیویسون: جریان روشنگری هیچ مربی و معلمی نداشته است

پروفسور اسکات دیویسون استاد فلسفه دانشگاه ایالتی مورها در کنتاکی آمریکا نیز تصریح کرد: تصور من این است که هابرماس دقیقاً چنین چیزی را نگفته است.

وی افزود: آنچه مورد تأکید هابرماس است این است که جریان روشنگری هیچ معلم و مربی و راهبری نداشته است. در واقع هابرماس می‌گوید که غرب هم یکی از مشارکت کنندگان در روشنگری است.

وی تصریح کرد: از اینرو تلقی من این نیست که هابرماس گفته که همه کشورها و فرهنگها در روشنگری مشارکت داشته‌اند. بر این اساس برخی از کشورها و فرهنگها مشارکت کننده در روشنگری نبوده‌اند.

استاد فلسفه دانشگاه ایالتی مورهد تأکید کرد: حتی در خود غرب هم، همه در روشنگری مشارکت نداشته اند. اگر چه نتایج و تبعات روشنگری طیف وسیعی از مردم را دربرگرفته اما همه مردم در آن مشارکت نداشته اند.

وی تصریح کرد: در خصوص فرایند روشنگری و آنچه ما به عنوان فرایندی می شناسیم که در قرون 17 و 18 در غرب رایج شد باید توجه داشت که این فرایند تماماً فرایندی مثبت نبوده است.

دیویسون در ادامه افزود: این فرایند دارای نتایج و تبعات مثبت و منفی بوده است و در بررسی آن باید به این نتایج به طور همزمان توجه داشت.

این استاد آمریکایی در پایان تأکید کرد: بر این اساس معتقد هستم که جهان اسلام و ایران در روشنگری به معنای پدیده قرن 17 و 18 آن مشارکت نداشته اند؛ اگر نتایج و تبعات آن متوجه این کشورها نیز شد.

استوارت سیم: تعریف مادی غرب از توسعه باعث استعمار سایر کشورها شد

پروفسور استوارت سیم استاد دانشگاه نورث آمبریا در نیوکاسل انگلستان در خصوص این موضوع که آیا می توان برای فرهنگهای غیر غربی در روشنگری قرن 17 نقشی قائل شد؛ مطابق آنچه هابرماس می گوید که همه در روشنگری نقش داشته اند به خبرنگار مهر گفت: روشنگری اصطلاحی است که به ویژگی های مختلفی از جامعه مدرن غرب اشاره می کند.

وی تصریح کرد: این اصطلاح دربردارنده ایده ها و مفاهیمی چون سکولاریسم و باور و اعتقاد به کمال پذیری انسان دارد.

وی یادآور شد: این اصطلاح همچنین نظم جامعه سنتی که در اروپا شکل گرفته بود را رد می کند. این نظم مبتنی بر نظام سلسله مراتبی شدید و حاد بود و به این جهت در ادبیات روشنگری از آن به عنوان رژیم قدیم یاد می شود.

استاد دانشگاه نورث آمبریا در نیوکاسل انگلستان تصریح کرد: در این نظام سلسله مراتبی پادشاه از یک سو و کلیسا از سوی دیگر اعمال قدرت شدیدی بر مردم داشتند. بر این اساس مردم در چنین نظام سیاسی حرف چنانچه برای گفتن داشتند.

مؤلف "دیکشنری لیوتار" تأکید کرد: فرهنگ مدرن غرب با تأکیدی که بر پیشرفت مادی داشت آنقدر قدرتمند شد که به استعمار سایر کشورها روی آورد. این فرهنگ با تعریف مادی ای که از پیشرفت داشت به استعمار بخش وسیعی از جهان روی آورد.

وی تأکید کرد: یکی از کارهای فرهنگ مدرن این بود که سبک زندگی خود را به فرهنگهای دیگر معرفی می کرد و اینگونه به نظر می رسید که این سبک زندگی دارای مشتریانی نیز هست.

استوارت سیم یادآور شد: اینکه باور و اعتقاد به توسعه داشته باشیم خود نوعی پیشرفت است. اما باور و روش توسعه مدرن غربی در جوامع و فرهنگهای مختلف دارای ابعاد منفی و هزینههایی نیز بوده است.

این فیلسوف انگلیسی در ادامه افزود: تأکید بر پیشرفت مادی به بهای نادیده انگاشتن سنتهای گذشته آثار خسارتباری بر بسیاری از جوامع به ویژه در جهان اسلام داشته است.

مؤلف "دیکشنری لیوتار" تأکید کرد: برای بسیاری از جوامع در جهان اسلام تعهد به روشنگری به معنای این است که سنتها و میراث گذشته خود را نادیده بگیرند. آنچه باعث چالش می شود ایجاد موازنه میان سنت و مدرنیسم است.

این فیلسوف انگلیسی در پایان یادآور شد: ایجاد و برقراری این موازنه و توازن میان این دو کاری سخت و دشوار برای این جوامع به شمار می رود.

و بر: تأکید بر روش تجربه‌گرایی مدرن باعث غفلت از وجوه دیگر عالم هستی می‌شود

دکتر اریک توماس وبر مدیر انجمن فیلسوفان آمریکا و استاد فلسفه و سیاست عمومی در دانشگاه می‌سی‌سی‌پی نیز در اینباره گفت: روشنگری در غرب هم به پیشرفت کمک کرد و هم به معضلات ناشی از مدرنیته فائق آمد.

وی در ادامه افزود: این جنبش بر روش علمی تأکید ویژه داشت و به این روش و شیوه و متد تفکر که تجربه‌گرایی و اثبات‌گرایی را در بطن خود داشت با دیده باز نگریست.

و بر یادآور شد: از سوی دیگر این جنبش بر روایتی مسلم و مبتنی بر عقل و تجربه تأکید دارد. از اینرو این جنبش برای رسیدن به پیشرفت و توسعه بر طبیعت نیز چیره می شود و طبیعت را به کنترل خود در می‌آورد.

استاد فلسفه دانشگاه می سی سی پی یادآور شد: به عبارت دیگر توسعه و پیشرفتی که از رهگذر مدرنیته تعریف می شود و مورد توجه قرار می گیرد از سلطه و چیره شدن بر طبیعت نیز ابایی ندارد.

وی در ادامه تأکید کرد: باید توجه داشت که رویکرد و توجه روشنگری به عقل باعث می شود که در عمل راه برای رویکردهای معرفتی

دیگر بسته شود.

مؤلف کتاب "رالز، دیوئی و سازه‌انگاری" در ادامه گفت: به عبارت دیگر وقتی روایت مبتنی بر عقل و تجربه اصالت داده شود و قطعیت بر این اساس مسلم و پیشینی باشد راه برای سایر روشها و متدهای تحقیقاتی بسته خواهد شد.

مدیر اجرایی انجمن فیلسوفان آمریکا در پایان یادآور شد: این تأکید توسط روشنگری و مدرنیته باعث خواهد شد تا جهات دیگری از دنیا مورد غفلت واقع شود و ما از آموختن چیزهای زیادی محروم شویم.

.....

گفتگو از جواد حیران‌نیا